سخنرانی حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای در حوزه علمیه قم

شکست ضدانقلاب بزرگترین کار ملت است...

- **هروقت بیسوادی، فقر، گرسنگی، ستم ونابرابری ریشه‌کن شد انقلاب به‌ثمر رسیده است.**
- **شاه گناهش همین بود که میگفت آنچه من می‌گویم، نه‌آنچه ملت میخواهد. امروز هرکس این منش را تکرار کند کاری مطرود و محکوم را انجام داده‌است.**

سخن، درباره انقلاب و ضدانقلاب است. انقلاب را همه با وجود خود لمس کرده‌ایم. شاید لازم نباشد کسی بخواهد از لحاظ فرهنگی مفهوم انقلاب را به ما بشناساند. ما در کوره انقلاب گداخته‌ایم و آبدیده شده‌ایم. اگر در جنبش‌های گذشته از صدر مشروطیت تا دهه‌های بعد، جنبش در ایران در قشرهای خاصی محصور می‌شد و اگر فقط روشنفکران و بعضی از قشرهای دیگر بودند که کوله‌بار انقلاب را بر دوش می‌کشیدند، اینبار ملت ما جماعت روحانی در کنار دانشجو و هنرمند در کنار پیشه‌ور و همه در کنار کارگر و صنعتی در کنار کشاورز و حتی همه و همه در کنار مأموران و مسئولان رژیم پیشین، انقلاب کردند. این یک جنبش مردمی به معنای واقعی کلمه بود و با هیچ فرمول پیش‌ساخته تئوریهای وارداتی تطبیق نمی‌کند.

بهر حال جنبشی با این خصوصیات واقع شد و ملت با همه وجودش این جنبش را لمس کرد. آیا پس از این لازم است روشنفکرمآبانه بیائیم و انقلاب و جنبش را برای کسانیکه با همه وجود لمس کرده‌اند معنا کنیم.

با اینکه انقلاب را همه می‌دانسته‌ایم و لمس کرده‌ایم، اما نکاتی را در مورد انقلاب باید بدانیم. تا وقتی مفهوم انقلاب را ندانیم، ضدانقلاب را نمی‌شناسیم و نمونه‌های آنرا کشف نمی‌کنیم و وای بحال ملتی که پس از انقلاب و پس از همه فرآورده‌های آن، ضد انقلاب را نشناسد و خود را برای مقابله با ضدانقلاب آماده نسازد. انقلاب در مفهوم رایج جهانیش به معنای دگرگونی کامل است. یک اصلاح اداری و یک تغییر کوچک و غیربنیانی، انقلاب نیست. جامعه‌ای انقلاب کرده است که توانسته باشد همه نهادها و بنیادهای اجتماعی خود را دگرگون کند، همه روابط را که در جامعه در شکل غلطی شکل گرفته بوده است بشکل درستی تبدیل کند. با این مفهوم همه انبیا و عظام الهی انقلابی بوده‌اند.

موسی و ابراهیم انقلاب کردند و خاتم پیامبران انقلاب کرد که توانست جامعه انقلابی را پایه‌ریزی کند. انبیا غلطها را بر می‌چیدند و بجای آن درستها را می‌نشاندند.

بی‌گمان انقلاب بدون مبارزه ممکن نیست و نبود و سلطه جویان داخلی و خارجی منافع و مطامع خود را در برابر مصالح یک ملت ترجیح می‌دادند. بی‌گمان به آسانی حاضر نمی‌شدند از این منافع چشم بپوشند. اگر سالهای سال ملت ایران می‌خواست به خاندان پهلوی و همه کسانی که با آنها دمساز بودند و سر در آخور واحدی داشتند بفهماند که آنچه می‌کنند نارواست، سالهای سال می‌گذشت، همچنانکه گذشت و آنچه ملت می‌خواست انجام نمی‌گرفت. یک انقلاب با مسالمت در مقابل قلدران و در مقابل بهره‌جستان هرگز به ثمر نمی‌رسد. انقلاب برای به ثمر رسیدن، جنبش انقلابی لازم دارد. بایستی مبارزه کند و به خود بجنبد و حرکت داشته باشد تا بتواند انقلاب را به ثمر برساند. تفکر انقلابی در میان جامعه ما و در ذهن روشنفکران، و اواخر در ذهن مردم ما کم و بیش بود، اما این تفکر مادامی که با یک حرکت همراه نمیشد، ممکن نبود که بر جامعه مسلط بشود. جنبش انقلابی آغاز شد و به ثمر رسید. آنچه تاکنون دانستیم این است که انقلاب به معنای یک دگرگونی عمیق است و وقتی به ثمر می‌رسد که این دگرگونی رخ بدهد.

مثلا در رژیم گذشته، بیسوادی، فقر و گرسنگی بود، ستم و نابرابری بود. هروقت اینها ریشه‌کن شد انقلاب به ثمر رسیده است. اما آنچه تاکنون بدست آورده‌ایم چیست؟ هنوز دگرگونی بنیادی در جامعه ما بوقوع نپیوسته است. ما در آغاز راه و یا در میانه راه هستیم. آنچه واقع شده است پیروزی جنبش انقلابی است. ملت ما فهمید چه باید بکند، آیات قرآن که به او دستور داده بود در مقابل ستمگر باید بپاخیزند، در روح و در عمل او کارگر شد و او را به مبارزه وادار کرد.

موانع بزرگ باید شناخته شود

● خامنه‌ای بااشاره به غارتهائی که در طی دهه‌های اخیر بوسیله سلطه خارجی وهمدستان داخلی‌شان شده است، گفت: آنچه واقع شده است یکی از موانع بزرگ برداشته شد و یا بزرگترین مانع برداشته شد. اما باید کوشش کرد که موانع بزرگ دیگر نیز شناخته شوند وباید مبارزه کرد تا از میان بروند. اینجاست که ضد انقلاب مطرح میشود، کسانی مقاومت میکنند. اینها چه کسانی هستند؟ در درجه اول آن کسانیکه از نظم پیشین سود میبردند، وضد انقلاب آنها هستند. و اما اگر ضد انقلاب در شکل رویا رویش ظاهر شود، از میان برداشتنش چندان دشوار نیست و این را ملت ایران ثابت کرد.

اما کار مهمتر اینست که ضد انقلاب را که با چهره انقلابی به میدان میاید شکست بدهیم و این بزرگترین کاریست که ملت ایران در پیش دارد. و این است مفهوم سخن امام که فرمودند ملت ایران کار بزرگی انجام داد و اما کار بزرگتری در پیش دارد. کار بزرگتر ادامه مبارزه تا به ثمر رسیدن انقلاب به معنای واقعی کلمه است. ضد انقلاب در جنبش ایران چاره‌ای جز خارج شدن از صحنه نداشت. اما امروز که جنبش انقلابی پیروز شده است، آغاز خطر بزرگ است. در این روزها که پس از پیروزی شاهد آزادیهای فراوان هستیم، ملت از یوغ استبداد وخلاص شده آنچنان شوق زده است که ممکن است خطرها را نشناسد وبه گمان من اولین رسالت ما اینست که خطرها را بشناسیم و بشناسانیم وضد انقلاب را با چهره واقعی‌اش معرفی کنیم واین بزرگترین رسالت خواهران و برادران ما در این روزگار است.

همانطور که قرآن وعده داده بود با مبارزه پیروزی حاصل شد بدون اینکه به شرق و یا به غرب متکی باشیم. ملت ایران بدون اتکا به هیچ قدرتی توانست بر دشمنی تا دندان مسلح خود فائق شود واین به‌دلیل یاری ونصرت خدا بود. تا این وعده الهی در مورد پیروزی بدست آمد.

اما دنباله مطلب اینست که قرآن به دو خطر بزرگ اشاره میکند ومیگوید که اول خطر خستگی ودلسردی و سست شدن است و ما اکنون در جایی قرار گرفته‌ایم که به گمان ما قله است. اما قله بالاتر است. اگر احساس خستگی کنیم بی‌گمان باقیمانده راه هرگز طی نخواهد شد. من اینرا صریحا به شما برادران وخواهران میگویم اگر احساس کنید که مبارزه به پایان رسیده است، یقینا شکست خواهید خورد و آنچه را بدست آورده‌اید از دست خواهید داد.

دومین خطر، خطر اختلاف است. اگر ملت که در سایه وحدت توانست این انقلاب را به این مرحله برساند، اکنون این مشت گره کرده را از هم باز کند بی‌گمان باز پیروزی به پایان نخواهد رسید. همانطور که امیرالمومنین در یک خطبه نقش وحدت کلمه را بیان کرده وعلت اصلی همه شکستها را اختلاف کلمه میداند.

آن کسانیکه میگویند اتحاد کنید ومقصودشان اینست که نام وشعار وجهت اسلام را بگیرند که بنظر ما اتحاد را درست معنا نمیکنند. این یک ملت ۳۵ میلیونی است وهمه در یک راه گام نهاده است وهمه با هم قدم برداشتند. اینها به مقصد رسید وبایست اتحاد واتفاق را مراعات کنند و این غلط است که اقلیتی شعارهای خود را مطرح کنند وبجای شعارهای کلی وطلق اصلی این مبارزه بگذارد و از همه دعوت کند زیر این شعارها جمع بشوند ونام اینرا اتحاد بگذارد ولی معنای اتحاد این نیست.

بگفته قرآن زیر لوای اسلام و زیر چتر الله‌اکبر و در دنبال رهبری الهی و دنبال رهبری پیامبرانه واین است معنی اتحاد برادران مسلمان و همه غیر مسلمانان، اقلیتهای غیر مذهبی و اقلیتهای مسلکی و آن کسانیکه پایبند به ایدئولوژی خاصی نیستند باید زیر این چتر جمع شوند. ما نمی‌گوئیم ایدئولوژی خود را تبلیغ نکنید و معتقد نباشید، معتقد باشید اما شعاری را که همه به آن گردن نهاده‌اند، آنرا فهمیده‌اند این شعار را همچنان حفظ کنید، احترام به اکثریت ایجاب میکند که شعار آنها را بپذیرید و به آن گردن نهید.

شاه گناهش همین بود که میگفت آنچه من میگویم نه آنچه ملت میخواهد و تمام جهان او را محکوم کردند. امروز هر کس این منش را تکرار کند کاری مطرود و محکوم را انجام داده است. اگر این انقلاب نتوانست خواسته‌های مردم را تأمین کند، آنوقت هر که مخالف بماند، هر که اسلام را قبول نداشته باشد این فرصت را خواهد یافت که با پشتیبانی همهٔ مردم با انقلاب به ثمر رسیدهٔ اسلامی درآویزد، حمله چرا میکنند؟

سید علی خامنه‌ای با اشاره به رهبری امام خمینی گفت: امام خمینی به ایران آمد و همه را متحد کرد و برادران را با هم آشتی داد و با برداشتن فرماندهان فاسد و مغرض ریشهٔ نفاق را از زمین برکند و برادران ارتش به روی برادران خود لبخند محبت‌آمیز زدند و به این ترتیب و پیش‌بینی عمیق و شناخت درست او از واقعیتها آشکار شد. این رهبری اطاعت کردنی است و اگر کسی اطاعت نکند یعنی در برابر رهبری طغیان کند این همان خطر سوم یا عصیان در برابر رهبری است.

مبارزه با ضدانقلاب

ضدانقلاب را باید با نام و نشان و ویژگیهای مشخص و گروهی شناخت.

انقلاب ما تا اینجا رسیده است ولی هنوز نظام اسلامی برپا نشده است و این بعلت خراب کاریهای رژیم گذشته طبیعی است. خرابیهایی که در ظرف چند روز و چند سال نمیشود آنرا آباد کرد. نظام اسلامی در آن صورت برسر کار خواهد آمد که مبارزهٔ ملت و این جنبش انقلابی پس از برداشتن اولین مانع به راه خود ادامه دهد و مردم با ضد انقلاب مبارزه کنند.

هرکس انقلاب اسلامی را قبول نکند ضد انقلاب اسلامی است. ضد انقلاب لازم نیست از وابستگان رژیم یا جاسوسان خارجی باشد خیلی روشن است که ضد انقلاب در شرایط کنونی ما نخواهد فعالیت کند. نمیگوید ما ضد انقلابیم بلکه گاهی در چهره انقلابی‌ترین‌ها خودنمائی میکند. پس دو گروه ضد انقلاب در جامعه هست. اول آنها که مستقیماً با سلطه گران خارجی ارتباط دارند و هرچند که انگهای رایج انقلابی را میزنند ولی در عمل انقلاب اسلامی را میکوبند. این قلمهای مزدوری که تا دیروز هرچه خواستند نوشتند و بزرگترین دشمنان ملت را تمجید و ستایش کرده‌اند و امروز پس از پیروزی رنگ خود را عوض میکنند و باز هم با مقدسات این ملت بازی میکنند. اما اینده در چهره انقلابی و اینها یکی از عوامل بزرگ ضد انقلاب در جامعه ما هستند.

دسته دوم آنهایی هستند که همه اندوخته‌های ذهنی خود را با به ثمر رسیدن این جنبش بربادرفته میبینند. سالهای سال از مبارزات طبقاتی [illegible] سخن گفته‌اند و وانمود کرده‌اند که مبارزه مادامی که رنگ طبقاتی نداشته باشد ممکن نیست به ثمر برسد، سعی کرده‌اند یک قشر را از دیگران جدا کنند و برای آنها قانون خاصی معرفی کنند اما امروز دیدند که بدون مبارزه طبقاتی مبارزه ایران به ثمر رسیده است. سالهای سال اسلام را بعنوان یک عنصر ضد انقلاب کوبیدند اما می‌بینند ملت با پایه اسلام با تلاوت قرآن و نام خدا با رهبری پیامبرانه یک عالم بزرگ دینی به پیروزی رسیده است. اسلام هم انگیزه شده است و هم راهنما و تمام اندوخته‌های ذهنی خود را غلط از آب درآمده میبینند و اینها هم حاضر نیستند به آسانی از این اندوخته‌ها بگذرند.

البته طرف خطاب، آن جوانان صادقی که بر اثر یک اشتباه یک حرفی برخلاف ملت میزنند نیستند، طرف خطاب ما مدعیانی هستند که حاضر نیستند واقعیات را که با حقایق عالم تطبیق کرده، اما با تصورات و تخیلات آنها جور درنیامده است. ما در مقابل این دو دسته ضد انقلاب قرار داریم. علاج در مبارزه با ضد انقلاب چیست؟ پاسخ اینست که همان راهی که در مبارزه با رژیم پهلوی ما را به پیروزی رسانید باز هم علاج تواند بود. برای مقابله با ضد انقلابی‌هایی که زیر ماسکهای گوناگون مبارزه خود را می‌پوشانند و مبارزه تا آن موقع تا آن زمان ادامه خواهد یافت. مبارزه با تاکتیکهایی که رهبر تجربه شده مبارزه به ما تعلیم خواهد داد، بسوی هدف گام به گام پیش خواهد رفت و ملت ایران همگام دنبال رهنمودهای رهبر عالیقدر امام خمینی را خواهد گرفت. مردم باید گوش بفرمان گفته‌های امام باشند، ولی اطاعت در مقابل رهبری به هیچوجه به معنای به کار نگرفتن شخصیت فرد فرد انسانها نیست و این تنها راه ادامه وحدت است